# ایماژ در شعر فارسی

**مؤلفان:**

دکتر سید حسن سید ترابی

زهرا عبدی

انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

۱۳۹۸

www.ketab.ir

سرشناسه: سید ترابی، سید حسن
عنوان و نام پدیدآور: ایماژ در شعر فارسی/ مؤلفان سیدحسن سیدترابی، زهرا عبدی...
مشخصات نشر: رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۱۶۷ ص.
شابک: ۳-۵۴۹۹-۱۰-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: صور خیال
موضوع: Imagery
موضوع: شعر فارسی- تاریخ و نقد
موضوع: Persian poetry - History and criticism
موضوع: ا[illegible]- زیبایی‌شناسی
موضوع: Aesthetics-Lite[illegible]ture
شناسه افزوده: عبدی، هرا، ۱۳۵۶.
شناسه افزوده: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
شناسه افزوده: Islamic Azad University. Rash[illegible] branch
رده‌بندی کنگره: PIR ۳۹۷۲۳۶۳ ۹س۹ص/
رده‌بندی دیویی: ۸فا۴۲/۰
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۵۰۶۴۹

عنوان کتاب: ایماژ در شعر فارسی
مؤلفان: دکتر سیدحسن سیدترابی- زهرا عبدی
ویراستار: دکتر محمد تقی یونسی رستمی
طرح روی جلد: مهندس آرمین عادلی
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
نوبت چاپ: اول/۱۳۹۸
چاپ و صحافی: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
تعداد صفحات: ۱۶۷
شابک: ۳-۵۴۹۹-۱۰-۹۶۴-۹۷۸
قیمت: ۲۵۰،۰۰۰ ریال

www.ketab.ir

## فهرست مطالب

عنوان — صفحه


مقدمه ---- ۱
**فصل اول: کلیات، ایماژ و تعاریف** ---- ۶
تعریف لغوی ایماژ ---- ۷
تفاوت ایماژ در اصطلاح سنتی و مدرن ---- ۷
ایماژ در شعر ---- ۹
استعاره ---- ۱۱
استعاره‌ی مصرحه ---- ۱۱
استعاره مکنیه ---- ۱۳
استعاره‌های پرتابی ---- ۱۳
مکتب ایماژیسم ---- ۱۴
اصول مکتب ایماژیسم ---- ۱۵
دیدگاه شاعران ایماژیستی ---- ۱۶
همبسته‌ی عینی ---- ۱۸
ایماژیسم، کلاسیسم و رمانتیسم ---- ۲۰
تحول در شعر کلاسیک فارسی ---- ۲۰
نقش ادبی نیما در تحول شعر فارسی ---- ۲۲
ایماژیسم در شعر نیما ---- ۲۴
ابهام هنری در شعر نیما ---- ۲۵
**فصل دوم: ایماژ در شعر کلاسیک** ---- ۲۶
مقدمه ---- ۲۷
منوچهری دامغانی ---- ۲۷
منوچهری شاعر تصویر و طبیعت ---- ۲۸
خاقانی شروانی ---- ۳۳
تصویر در شعر خاقانی ---- ۳۴
نظامی ---- ۴۴


www.ketab.ir

تصویر در شعر نظامی ---- ۴۵
کلیم کاشانی ---- ۵۲
تصویر در شعر کلیم کاشانی ---- ۵۲
تصاویر ساده و ورود اشیا و امور روزمره در شعر ---- ۵۳
پارادوکس در شعر کلیم ---- ۵۴
هنجارشکنی در تصویر ---- ۵۶
وارونه‌سازی واقعیت ---- ۵۸
سادگی تصاویر ---- ۵۹
[illegible] ناامیدی در شعر کلیم ---- ۶۰
بیدل دهلوی ---- ۶۱
ابهام در شعر بیدل ---- ۶۲
کاربرد رنگ در تصویر ---- ۶۷
پارادوکس ---- ۷۰
صائب تبریزی ---- ۷۳
اشتراک شعر صائب و شعر ایماژیستی ---- ۷۳
پارادوکس ---- ۷۴
بیگانگی معنا ---- ۷۵
اغراق ---- ۷۶
**فصل سوم: ایماژ در شعر معاصر ---- ۷۸**
مقدمه ---- ۷۹
یدالله رویایی ---- ۷۹
ایماژیسم در شعر یدالله رویایی ---- ۸۰
تحلیل ایماژیستی اشعار یدالله رویایی ---- ۸۱
«ساعت» ---- ۸۱
«خون در تمام آینه‌ها جاری بود» ---- ۸۳
«ستاره سبز می‌شود از اهتزاز» ---- ۸۴
«اندکی از هوا» ---- ۸۵
«شکل راه رفتن تو» ---- ۸۶

www.ketab.ir

زاویه‌ی دید در ایماژهای یدالله رویایی ---- ۸۸
فرازمانی و فرامکانی ---- ۸۸
نمادگرایی ---- ۹۰
احمدرضا احمدی ---- ۹۱
آثار و فعالیت‌های احمدرضا احمدی ---- ۹۲
آثار احمدرضا احمدی در زمینه شعر ---- ۹۲
آثار احمدرضا احمدی در زمینه‌ی شعر و قصه کودکان ---- ۹۳
ایماژیسم در شعر احمدرضا احمدی ---- ۹۳
گره‌گشایی از ایماژهای اشعار احمدرضا احمدی ---- ۹۴
«با چشم باز» ---- ۹۴
«از عشق» ---- ۹۶
«آب فلز» ---- ۹۷
«آسانسور» ---- ۱۰۰
تفاوت روز با شب ---- ۱۰۱
«این باغ» ---- ۱۰۳
اتفاقات ---- ۱۰۳
«خاموشی» ---- ۱۰۴
«این جمله‌های طولانی» ---- ۱۰۶
«مثل همیشه» ---- ۱۰۷
«گیسوی تو را» ---- ۱۰۸
«توت‌فرنگی» ---- ۱۰۹
«شما اگر» ---- ۱۱۰
«رنگ زرد و قرمز» ---- ۱۱۱
«فرفره‌های کاغذی» ---- ۱۱۲
«لحظه‌ای کمیاب» ---- ۱۱۳
«گمان، رودرروی زیبایی» ---- ۱۱۴
«نامی برای تو ندارم» ---- ۱۱۵
«آخماتووا» ---- ۱۱۶
«دفتر هشتم» ---- ۱۱۷
«از همه‌ی جهان» ---- ۱۱۸

www.ketab.ir

## فهرست مطالب

«آسمان خانه‌ی ما» ---- ۱۱۹
زاویه‌ی دید در ایماژهای احمدرضا احمدی ---- ۱۲۹
رنگ‌ها و میوه‌ها ---- ۱۲۹
طبیعت ---- ۱۳۰
«گیلاس در باد» ---- ۱۳۰
نماد در ایماژهای احمدرضا احمدی ---- ۱۳۱
فروغ فرخزاد ---- ۱۳۲
آثار فروغ فرخزاد ---- ۱۳۲
ایماژیسم در شعر فروغ فرخزاد ---- ۱۳۳
تحلیل اشعار ایماژیستی ---- ۱۳۴
پنجره ---- ۱۳۴
«تولدی دیگر» ---- ۱۳۷
نیما ---- ۱۴۰
آثار نیما ---- ۱۴۱
آثار تحقیقی و یادداشت‌ها ---- ۱۴۱
تحلیل اشعار ایماژیستی نیما ---- ۱۴۲
«ری‌را» ---- ۱۴۲
«برف» ---- ۱۴۵
«ترا من چشم در راهم» ---- ۱۴۸
«هست شب» ---- ۱۵۱
«سیولیشه» ---- ۱۵۳
«در شب سردِ زمستانی» ---- ۱۵۶
زاویه‌ی دید در شکل‌گیری ایماژهای نیمایی ---- ۱۵۷
«مرگ کاکلی» ---- ۱۵۷
«هنوز از شب ...» ---- ۱۵۸
نمادگرایی در ایماژهای نیما ---- ۱۶۰
**فهرست منابع** ---- **۱۶۱**

www.ketab.ir

## مقدمه

در دوره معاصر دقت نظر و تکنیک اندیشی هنرمندان، تحول و تغییرات نسبتاً زیادی در مکتب‌ها و سبک‌های هنری به وجود آورد. هنرمند به عنوان خالق اثر هنری و ادبی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد است. اغلب مکتب‌های ادبی حاضر حاصل تجدّدخواهی، تهوّر و اندیشه‌ی خلاق یک هنرمند است که گروهی از هنرمندان دیگر با دنباله‌روی از وی ساختار مدوّنی را برای آفرینش آثار هنری خود بر پا می‌کنند. شعر به عنوان یکی از هنرهای بشری تأثیرات عاطفی عمیقی در مخاطب دارد. آن‌چه در ادبیات کهن ما، از نگرش و انسجام نظر در سروده‌های دیگران وجود دارد رگه‌های ناچیزی از نقد واقعی را نشان می‌دهد. غلب این نقادی‌ها انکارگرایانه یا تمجیدگرایانه است. دست‌یابی به یک نقد علمی و همه‌جانبه مستلزم آشنایی فنّی و تاریخی با موضوع مورد نقد است. در این نوشتار به یکی از رایج‌ترین اصطلاحات تاریخ نقد و بلاغت «ایماژ» پرداخته‌ایم. «در تاریخ نقد و بلاغت با آنکه اصطلاح شعر «ایماژ» همیشه در شمار متداول‌ترین مصطلحات بوده و با آنکه تعاریف متعدّد و متنوّعی از آن صورت داده‌اند اما همچنان مبهم و تعریف‌ناپذیر مانده است» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۸). واقعیت آن است که تحلیل و رمزگشایی از شعر شاعران معاصر و حتی بسیاری از اشعار کلاسیک بدون شناخت شیوه‌های نوین نقد اگر نگوییم کاری غیرممکن است، باید اعتراف کنیم کاری بس دشوار و دیریاب است. گو اینکه در تعریف ایماژ ابهام و پیچیدگی‌هایی وجود دارد اما مانع نمی‌شود این موضوع سامان نیافته به سامان نرسد.

ایماژ به مثابه‌ی رنگ در نقاشی، تصویر در سینما و روان در روانشناسی، از مباحث قابل توجه در ادبیات است. ایماژ در گستره‌ی ادبیات همانند چتری بر ماهیت حقیقی واژه‌ها سایه می‌اندازد و آن‌ها را از قابلیت دارابودن مفاهیمی خارج از شکل ظاهری با روابط آشکار و پنهان برخوردار می‌کند. البته شکل‌گیری ایماژها، ماحصل پیوند نگاه دیگرگونه‌ی انسان با جهان رنگارنگ اطراف اوست که ما آن را به عنوان حلقه‌ی اصلی برقراری میان ذهن و جهان خارج از ذهن انسان می‌شناسیم و برای آن هویتی اصلی و

www.ketab.ir

اساسی قائلیم. دنیای تصویر با برآیند قدرت ارتباط و تعامل با همه‌ی آن چیزهایی که درصدد برقراری ارتباط با آن هستیم، همراه با عینی کردن ذهنیات ترسیم می‌شود. در این دنیای ویژه، با زبان ایماژ، توانایی ارتباط با همه‌ی هستی به شاعر داده می‌شود و وجه تمایز زبان ادبی و غیر ادبی در گره‌گشایی از همین نقطه‌ی کور غیرفعال، یعنی خلق ایماژها و ایجاد حرکت در زنجیره‌ی معنایی تصاویر است. اما این خلق، ویژه‌ی ذهن شاعرانه‌ای است که قدرت تجزیه و تفکیک تضادهای موجود بین امور و اشیا را که در ظاهر مانع ایجاد ارتباط است، داشته باشد. در نتیجه، چیزی که ذهن شاعرانه درمی‌یابد و با زبان تصویر از جهان خارج از ذهن انتقال می‌دهد، زاییده‌ی نگرش عادت‌زدای او به اشیا و پدیده‌هاست و اگر ذهن ملول و عادت‌زده باشد، از عهده‌ی درک این پدیده برنخواهد آمد.

باورش اندکی سخت است ولی هر کسی عمیق به مطالعه‌ی ادبیات پرداخته باشد گواهی می‌دهد فرآیند ذهنی و خیل در امر پژوهش ادبی به اندازه‌ی مطالعه‌ی علوم پایه منسجم و رو به پیشرفت است. به عبارت ساده ذهن پژوهشگر ادبی درست مانند یک پژوهشگر علوم پایه به روش مشابه آموزش می‌بیند و هماهنگی مسأله مورد پژوهش نیز مشابه آن است.

چیزی را که به عنوان تصویر در تحقق بخشیدن زبان استعاری از ذهنی به عینی می‌شناسیم و آن را به کار می‌بریم، هدف نهایی شاعر برای سنا ساندن تمامی هیجان‌ها و قوای فعال ذهن اوست که در نهایت به صورت خلق ایماژ برای مدرکی مخاطب ارایه می‌شود. به طور کلی «انتزاعی‌ترین اصطلاحات، از طریق القای استعاری، از ارتباط‌هایی که بالمآل است، مشتق می‌شود (نظیر درک، تعریف کردن، حذف کردن، عنصر، موضوع، فرضیه» (ولک و دیگران، ۱۳۷۰: ٦۲).

حرکت دوربین در سینما زیرمجموعه‌ی حرکات زیباشناختی در آن است. با حرکت دوربین می‌توان حرکت واقعی و عینی را ایستا و راکد نشان داد. حرکت دوربین و جابه‌جایی تصویر برخلاف فصل‌هایی که از نماهای گوناگون و با زوایای گوناگون تشکیل شده‌اند و حس ترکیب و سه بعدی بودن را می‌رساند، حس انحنا و چرخش و

www.ketab.ir

مهم‌تر از همه روان بودن و سیالیّت را می‌نمایاند. روانی دوربین مانند حرکت ایماژها در زنجیره‌ی واژگان، حرکتی آگاهانه و زیباشناختی سینمایی است که پایه‌ی آن، نمایش صرف واقعیت یک رویداد نیست، گاهی حرکت دوربین تصاویری پیش روی تماشاگر می‌گذارد که در زندگی همانندی ندارد، و او را در مرز بین واقعیت و خیال می‌نشاند و تطبیق حرکت توهم‌زا، و واقعیت، احساس واحدی در او پدید می‌آورد. همچنان که در ادبیات شاعر با حرکت و چرخه‌ی ایماژها، چشم‌اندازی دیگر از صورت اصلی پدیده‌ها پیش روی مخاطب می‌نشاند. حرکت دوربین و جابه‌جایی تصاویر نیز تماشاگر را در فضای غیرمتعارفی قرار می‌دهد که در زندگی عادی شکل و ماهیت متفاوتی دارند (ر.ک. شارف، ۱۳۹۰: ۱۲٤ - ۳ ).

«سینما فرآیندی زنجیره‌ای است، باید آن را با دیگر فرآیند زنجیره‌ای؛ یعنی زبان، که یا در خدمت برقراری ارتباط است یا در خدمت هنر، مقایسه کرد. همان‌طور که ساختارهای کلامی (زبانی) می‌تواند بین گوینده و شنونده ارتباط برقرار کند و اثر هنری (رمان، شعر یا نمایشنامه) خلق کنند، سینما نیز می‌تواند هم اطلاعات را منتقل و هم اثر هنری خلق کند. «شنونده» (مخاطب) می‌تواند سخن گوینده» (کارگردان، تهیه‌کننده، نویسنده یا راوی فیلم) را درک کند» (لوته، ۱۳۸۸: ۲۲).

در غالب موارد، حرکت خیال در کلمه، مانند یک فیلم حرکت عمل می‌کند. به پرده‌ی نمایش فیلم نگاه می‌کنیم، تنها حرکات و روابط غیرکلامی را پیش روی خود داریم. چشم به روبه‌رو نگاه می‌کند و ذهن در جستجوی کشف چیزی مجهول است. در اثنای این روابط، که دیالوگی مابین بازیگران ردوبدل نمی‌شود، هر لحظه منتظر دریافت یک پیام هستیم. در ذهن خود جستجو می‌کنیم و سعی داریم مابین رفتارها و حرکات و ارتباط غیرکلامی شخصیت‌ها ارتباطی برقرار کنیم. هر تصویر به دنبال تصویر دیگر، زنجیره‌ای از پیام‌ها را به هم مربوط می‌سازد و در نهایت، اگر هوشمندانه عمل کنیم، تصویر به تدریج از حوزه‌ی ابهام خارج شده، به صراحت و وضوح کامل‌تری سوق داده می‌شود.

www.ketab.ir

«والری» در این مورد می‌نویسد: «هر اثر ادبی، گذشته از این که خالقی دارد، حاصل عملکرد بسیاری از عوامل دیگر نیز هست» (کالر، ۱۳۸۸: ۱٦٦). به اعتقاد او ادبیات «درمیان تمامی هنرها، آن شاخه‌ای است که قرارداد مهم‌ترین نقش را در وقوعش ایفا می‌کند» (همان).

در صنعت تصویرگری، آن‌چه به یاری کلمه می‌شتابد تا خود را از مفاهیم انتزاعی رها سازد و عینی و واقعی به نظر آید، «تخیل» شاعرانه است. این تخیل در هیأت ایماژهای شعری، در حقیقت روح شاعرانه‌ی کلمه محسوب می‌شود که در عین حال به کلمه قدرت بیان بخشیده، روح و جسم را با هم ترکیب می‌کند و به کلمه هستی و پویایی می‌بخشد.

هر اثر شاعرانه با نیروی خیال، دامنه‌ی تثبیت واژه‌ها را گسترش می‌دهد. گویی کلمه با جوهره‌ی خیال، خود را به اثبات می‌رساند و این فرآیند به گونه‌ای عمل می‌کند که کلمه را برای خواننده قابل ستایش می‌سازد. با خیال‌برانگیزی و کاربرد ایماژها در ارایه‌ی تابلوهای شعری، کلمه‌ها ملموس و مادی و خارج از دنیای ذهن و درون با ما زندگی می‌کنند و مرز میان واقعیت و خیال برداشته می‌شود. همه‌ی آن چیزهایی را که اثر شاعرانه با کلمه در اختیار ما می‌گذارد، در برابر چشمان خواننده، با یک تصویر یا ایماژ ظاهر می‌شود و خواننده حرکت کلمه‌ها را چون حرکت اشیای مادی و پدیده‌های جاندار بر پرده‌ی جادویی «خیال» به تماشا می‌نشیند. در حوزه‌ی شاعرانه، «خیال» موجب جبران خلا وضوح تصویر در همان نمای اول است که تصویری کاملاً مبهم و ظاهراً بدون کلام و بی‌ارتباط به هم ارایه می‌دهد. به عبارت دیگر، عنصر «خیال» در دایره‌ی آفرینش کلمه، در پس تصاویر متوالی و به هم پیوسته و به ظاهر فاقد معنا و پیام، به جریان انتقال تدریجی که در پس افشای تدریجی تصویر رخ می‌دهد، به جذب تدریجی پیام توسط خواننده کمک می‌کند. عملکرد ایماژها (تصاویر) در دنیای شاعرانه چنین است؛ گاهی با ما سخن می‌گویند و در واقع، این ما هستیم که در خیال خود با تصویر ارتباط برقرار می‌کنیم، با آن وارد گفتگو می‌شویم و به تصویر حیات می‌بخشیم و گاهی چنین به نظر می‌آید که تصویر برای ارایه‌ی پیام خود فاقد کلام است، اما این ظاهر قضیه است؛ زیرا

www.ketab.ir

همانند «پرده‌ی جادویی» قبل از آن که کلمه چیزی برای گفتن به ما عرضه کند، ما به گفتگو با کلمه نشسته‌ایم و جایگاه آن را با قدرت شاعرانه‌اش در تصویرگری مشخص کرده‌ایم. در نهایت، هر تصویر، تنها با قوه‌ی خیال است که به شاعر اجازه می‌دهد آن‌چه را می‌خواهد به گونه‌ای اسرارآمیز به خواننده القا شود، در دنیای شاعرانه ترسیم کند. شاعر راز بزرگ خود را که دلیل آفرینش کلمات بوده، با عنصر خیال به زنجیر می‌کشد و به خواننده اجازه می‌دهد که با تلاش و جستجوی فعال ذهن در چرخه‌ی خیال، اسرارش را آزاد کند و به شکلی قابل دریافت در اختیار خواننده قرار دهد. خوب دیدن، تمرکز، درک و تحلیل، ابزار مهم شناخت ایماژها در هنر شعر و سینماست. عملکرد ایماژها در شعر، همانند عملکرد رنگ است، ایماژها در هنر نقاشی با مقوله‌ی انواع «رنگ» خلق می‌شوند. از دیدگاه روانشناسی رنگ، «بیشتر عنصری عاطفی است نه عقلانی، رنگ گیرایی‌اش را از عواطف و غرایز کسب می‌کند. رنگ همان نقشی را در فیلم ایفا می‌کند که صفت در ادبیات. می‌توان گفت که خطوط و رنگ‌ها حاکی از مفاهیم‌اند، اما از راه‌های متفاوتی عمل می‌کنند» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۵۷). در این نوشتار کوشیده‌ایم در سه فصل مجزا تعاریف ایماژ و تاریخچه آن و نمونه‌های ایماژ سنتی و مدرن را بررسی کنیم. ساختار اثر حاضر پیرامون ایماژهای کلاسیک و پرتابی مدرن شکل گرفته است در این میان از آثار شاعران سنتی، منوچهری، خاقانی، نظامی، کاظم کاظمانی، بیدل دهلوی و صائب تبریزی نمونه‌هایی برگزیده‌ایم، به هر حال مراد ما در این مجال تنگ، شناخت کلی از ایماژهای شعری است و بدیهی است این نوشتار کاستی‌هایی داشته که از همه علاقه‌مندان و منتقدان ادبی برای رفع و اصلاح آن استمداد می‌طلبیم.

www.ketab.ir